

ادبیات پارسی در روزگار ایلخانان

اساس آنچه از منابع تاریخی بر می آید ، در روزگار ایلخانی زبان پارسی با وجود آنکه اکثر دربارهای حامی زبان و ادب پارسی به هنگام ورود خونبار مغولان برچیده شده بودند ، رواج افزونتری نسبت به ازمه پیشین یافت . زیرا زبان عربی در پی برافتادن خلافت عباسی و از میان رفتن نفوذ معنوی آن و همچنین تکیه زدن بزرگان ایرانی بر مصادر دیوانی دربار ایلخانی ، جایگاه برتر خود را پس از سده های متمادی از دست داده بود . نویسندگان و اندیشمندانی از آن روزگار به مانند ، ابن خلدون ، این نکته را از نظر دور نداشته و در آثار خویش به رونق گسترده زبان پارسی و تباهی زبان عربی در سرتاسر دنیای اسلام اشاره داشته اند .

نیاز به یادآوری است که امروزه عموم ایران شناسان و تاریخ پژوهان نیز چنین باوری داشته و اعتقاد بر آن دارند که زبان پارسی در آن هنگام چندان اعتبار یافته بود که حتی توانست انبوهی از پارسی نویسان و پارسی سرایان را در سرزمینهایی خارج از مرزهای تاریخی ایران چون هندوستان و آسیای صغیر فراز آورد .

از دیگر سوی ، رواج افزون زبان پارسی که از جمله رخدادهای مهم فرهنگی این روزگار است سبب گردید زبان رسمی امپراتوری مغول نیز پارسی گردد . این نکته را می توان از مکتوبات به جای مانده از اندیشمند و سیاستمدار نامی عهد مغول ؛ خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی ؛ که بسیاری از آنها در زمره فرامین حکومتی به شمار می آیند نیز دریافت . بایسته یادکرد است پاسخ گیوک خان به نامه پاپ اینوسان چهارم و نامه منکوقآن به پادشاه فرانسه هر دو به زبان پارسی نگارش یافته بودند .

با تمام این اوصاف ، آنچه موجب شگفتی است آن است که در دستگاه دیوانی ایلخانان کمتر نشانی از شاعران درباری و قصاید مدحی آنان می توان جست . این در حالی است که در دربار اغلب خاندانهای حکومتگر ایران زمین شاعران بسیار حضور می داشتند و حتی برخی از این سخن سرایان از سوی سلاطین وقت به ملک الشعرائی دربار برگزیده می شدند . چنین بر می آید که بیشتر ایلخانان و بزرگان مغول را توانایی درک و فهم اشعار پارسی نبود و بدین جهت برای آن ارزشی قائل نمی گشتند. بی توجهی حکومت و بزرگان مغول منجر به آن شد که سخن سرایان به خارج از حیطه اقتدار دربار منتقل شوند ، مهمتر از همه آنکه اسباب کاهش شمار چکامه سرایان و تغییر نوع شعر از مدح به

غزل فراهم آمد . در حقیقت ، این عامل موجب گردید که به همان نسبتی که قصیده سیری قهقرایی یافته بود غزل رو به پیشرفت نهد ، چنانکه بزرگانی چون عطار ، مولوی ، فخرالدین عراقی ، اوحدی اصفهانی و شیخ محمود شبستری ، والاترین افکار عرفانی را با سرایش عباراتی موزون در قالب غزل به جلوه در آوردند .

در این روزگار چند منظومه حماسی و تاریخی نیز سرایش یافت که سام نامه سیفی ، سام نامه خواجهی کرمانی ، ظفرنامه حمدالله مستوفی ، کرت نامه ربیعی پوشنگی ، و غازان نامه شمس الدین کاشی از آن جمله اند . با این وجود در این روزگار سرایش حماسه به ویژه سرایش حماسه های ملی چندان مورد توجه نبود ، زیرا ، اندیشه ملیت در ایران بر اثر دلایلی چند از جمله حکومت دراز مدت ترک تباران ، سیاستهای خلافت عباسی و هجوم مغولان بسیار ناتوان گشته بود .

نثر فارسی نیز که رواج گسترده ای همزمان با بی رونقی زبان عربی در این روزگار یافته بود به شیوه های گوناگون مورد کاربرد نویسندگان و دیوانیان قرار گرفت ، چنانکه از سوی برخی نگارندگان کتابها نثر متکلف و مصنوع به کار گرفته شد . تاریخ و صاف ، تاریخ جهانگشای جوینی و مواهب الهی معلم یزدی ، از جمله آثاری می باشند که نثری چنین دارند و در آنها عبارتهای مزین به صنایع ادبی ، فراوان به چشم می آید . بعضی نویسندگان نیز نگارش به نثر ساده را در انشاء کتابهای خویش ترجیح دادند . تاریخ گزیده حمدالله مستوفی و طبقات ناصری منهاج سراج جوزجانی از این جمله اند و عاری از پیرایه های ادبی آنچنانی می باشند . از دیگر آثار منثور معروف این دوران می توان به ، جوامع الحکایات محمد عوفی و معجم فی معاییر اشعار العجم شمس قیس رازی ، که هر دو در دهه های ابتدایی قرن هفتم هجری نگارش یافتند و همچنین آثار مکتوب خواجه نصیرالدین طوسی اشاره کرد . بایسته است یاد گردد با وجود آنکه مقام علمی خواجه نصیرالدین بر جنبه نویسندگی او برتری دارد لیکن با توجه به آثار و سبک نگارش ، وی در میان نثرنویسان آن دوره دارای پایگاهی بلند و جایگاهی والا است .

با تمام این اوصاف ، به هنگام یادکرد از آثار نوشته شده در آن روزگار ، نباید از توجه به کتابی منحصر به فرد و بسیار پرارزش غافل شد . این کتاب که ، سفینه تبریز نام دارد و به توسط ابوالمجد محمد بن مسعود تبریزی ، در اوایل قرن هشتم هجری تدوین گشته است متأسفانه چندان که شایسته باشد شناخته نشده و کمتر مورد اقبال واقع گشته است . آنچه باعث اهمیت بیشتر سفینه تبریز می شود آن است که نگارنده کتاب مجموعه ای گرانبها از آثار موجود در کتابخانه خویش که بیشترین آنها اکنون در دست

نمی باشند را در این کتاب به نگارش درآورده است . از دیگر سوی ، در مجموعه آثار گردآوری شده در این کتاب که دویست و نه اثر یا رساله را شامل می شود می توان اطلاعات ارزنده ای مربوط به آن دوران در زمینه ادبیات ، زبان مردم آذربایجان ، اخلاق ، عرفان ، موسیقی ، جغرافیا ، تاریخ ، نجوم ، پزشکی و ... به دست آورد .

به هرحال و به هر ترتیب آنچه روشن است در روزگار مغولان نویسندگان و چکامه سرایان بسیاری پدیدار گشتند که البته ذکر نام یکایکشان در این مختصر نمی گنجد . برخی از نامی ترین آنان را می توان چنین نام برد :

سعید هروی ، عبید زاکانی ، سراجی سگری ، رکن دعویدار ، شهاب مهمره ، نظام اصفهانی ، اثیرالدین اومانی ، فرید احوال ، نجیب جرفادقانی ، ابونصر فراهی ، امامی هروی ، افضل الدین کاشانی ، جلال الدین محمد بلخی ، زرتشت بهرام ، سید ذوالفقار ، مجد همگر ، بدر جامی ، سعدی شیرازی ، سیف فرغانی ، پادشاه خاتون ، ناصر سیواسی ، پوربهای جامی ، سراج قهری ، قانعی طوسی و ...

کتاب نامه :

- ۱- ابن خلدون ، عبدالرحمن ؛ مقدمة ابن خلدون ؛ ترجمة محمد پروین گنابادی ، جلد دوم ، تهران : بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، ۱۳۵۳
- ۲- اقبال آشتیانی ، عباس ؛ تاریخ مغول ؛ چاپ هفتم ، تهران : امیرکبیر ، ۱۳۷۹
- ۳- تبریزی ، ابوالمجد محمد بن مسعود ؛ سفینه تبریز ؛ با مقدمه عبدالحسین حائری و نصرالله پورجوادی ، تهران : مرکز نشر دانشگاهی ، ۱۳۸۱
- ۴- خطیبی ، حسین ؛ ((نثر فارسی در قرن هفتم هجری و سبک آثار فارسی خواجه نصیرالدین)) ؛ مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ، شماره چهارم ، سال سوم ، ۱۳۵۵
- ۵- خواندمیر ، غیاث الدین بن همام الدین ؛ تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر ؛ جلد سوم ، تهران : کتابخانه خیام ، ۱۳۳۳
- ۶- رضایی ، عبدالعظیم ؛ تاریخ ده هزارساله ایران ؛ چاپ دوازدهم ، جلد سوم ، تهران : اقبال ، ۱۳۷۹
- ۷- ساندرز ، ج ، ج ؛ تاریخ فتوحات مغول ؛ ترجمة ابوالقاسم حالت ، تهران : امیرکبیر ، ۱۳۶۳
- ۸- صفا ، ذبیح الله ؛ تاریخ ادبیات در ایران ؛ جلد سوم ، بخش یکم ، چاپ ششم ، تهران : فردوس ، ۱۳۶۸

ادبیات پارسی در روزگار تیموری

دوران تیموری را می باید دوره ای مهم در تاریخ ادب پارسی برشمرد ، زیرا شاهان و شاهزادگان تیموری که در ولایات مختلف حکمرانی می کردند پناه و پشتیبان شعرا و ادبا بودند و در دربار آنان بر خلاف دربار ایلخانان ادبیات رواج بسیار داشت ، شاید که می خواستند دربارهایشان چون دربارهای باشکوه شاهان گذشته ایران باشد . اما مهمترین ویژگی ادبی این دوران را رواج شعر و عمومیت یافتن آن باید دانست . دولت‌شاه سمرقندی ضمن تأیید کثرت و فزونی شاعران آن را مایه تنزل مقام شعر معرفی کرده است :

« اما در این روزگار پایه قدر این فرقه شکست یافته و متنزل شده است به سبب آنکه نااهلان و بی استحقاقان ، مدعی این شغل شده اند ، هرجا گوش کنی زمزمه شاعری است و هرجا نظر کنی لطیفی و ظریفی و ناظری است . » [1]

در این روزگار همچون عهد ایلخانی سرودن غزلیات رواج کلی داشت و غزلسرایی سیر صعودی خود را ادامه داد چنانکه کمتر شاعری را می توان جست که به غزل اقبال شایان نداشته باشد . [2] با این وجود ، قصیده سرایی و به ویژه سرایش قصاید مدحی که در روزگار ایلخانی به تقریب به فراموشی سپرده شده بود دگر بار رونقی به سزا یافت . دلیل احیاء اینگونه شعر سرایی را باید پشتیبانی شاهان و شاهزادگان تیموری از شعر و شاعری دانست ، زیرا آنان نه تنها دوستدار شعر و مشوق شعرا بودند بلکه بسیاری از ایشان از ذوق هنری بهره ای وافر داشتند و خود نیز شعر می سرودند . [3]

سرودن منظومه های حماسی و تاریخی به سبب دلایلی مشابه آنچه در مورد حماسه سرایی عصر مغول گفته شد چندان مورد اقبال نبود . تمرنامه ، که به توسط عبدالله هاتفی در روزگار فرمانروایی سلطان حسین بایقرا (۱۵۰۵-۱۴۵۶ م / ۹۱۱-۸۶۱ ق) درباره زندگی و تاریخ امیر تیمور سرایش یافت از جمله معدود منظومه های تاریخی این روزگار به شمار می رود .

شیوة نثر پارسی در این عهد به سبک روان و ساده تبدیل شد و آثار متکلف و مصنوع رو به کاستی نهاد ، حتی کار نثر و نگارش به دست کسانی افتاد که شاید بهره آنان از فنون و ادب کم بود . از سویی دیگر ، در این دوران بسان روزگار فرمانروایی ایلخانان واژگان ترکی بسیاری در زبان پارسی وارد شد و حتی ادب ترکی در دهه های پایانی سده نهم

و دهه های ابتدایی سده دهم هجری با ظهور شاعران و نویسندگانی چون ، امیر علیشیر نوایی و ظهیرالدین محمد بابر ، اوج گرفت . ضروری است یاد گردد ، هرچند رشد و توسعه ادبیات ترکی اسباب نفوذ لغات ترکی در زبان پارسی و به ویژه کتابهای تاریخی را تدارک دید ، لیکن ، این جریان سبب برهم خوردن توازن زبان پارسی نشد و به تدریج بیشتر این لغات از میان رفتند . [4]

چنانکه از مطالعه ، تحقیق و تفحص در منابع تاریخی عصر تیموریان بر می آید ادیبان و شاعران بسیاری در این دوران پا به عرصه وجود نهاده بودند . حتی از جهت تعداد شعرا و وفور ادبا می توان عصر تیموری را از درخشانترین ادوار ادبی ایران پنداشت . به هر ترتیب ، ذکر نام یکایک اینان از عهده صاحب این قلم خارج است اما برخی از نامی ترین آنان به شرح ذیلند :

حافظ شیرازی ، سلمان ساوجی ، عماد فقیه کرمانی ، قاسم انوار تبریزی ، لطف الله نیشابوری ، شاه نعمت الله ولی ، کاتبی شیرازی ، امیر شاهی سبزواری ، عارفی هراتی ، آذری طوسی ، اهلی شیرازی ، رستم خوریانی ، لطف الله نیشابوری ، آصفی هروی ، اهلی ترشیزی ، هلالی جغتایی ، نورالدین عبدالرحمن جامی و ... [5].

تذکره الشعرا ، ص ۹

۱ [2]. شعر فارسی در عهد شاهرخ ، ص ۱۴۰

۲ [3]. برای آگاهی بیشتر از نام شاهان و شاهزادگان شاعر خاندان تیموری نگاه کنید

به : شعر فارسی در عهد شاهرخ ، ص ۶۰-۷۲

۳ [4]. تاریخ تیموریان و ترکمانان ، ص ۵۵

۴ [5]. چنانکه روشن است شاعران پارسی گوی و ادیبان روزگار مغول و تیموری به

نسبت افزونند . برای آگاهی بیشتر از نام و آثار آنان نگاه کنید به : نفیسی ، سعید ؛ تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری ، تهران ، فروغی ، ۱۳۴۴ و تاریخ ادبیات در ایران ، ج ۳ ، ب ۱ و ۲ و تاریخ ادبی ایران ، از سعدی تا جامی و تذکره الشعرا دولتشاه سمرقندی ، مجالس النفاؤس و شعر فارسی در عهد شاهرخ .

کتاب نامه :

- ۱- براون ، ادوارد ؛ تاریخ ادبی ایران ، از سعدی تا جامی ؛ ترجمه و حواشی علی اصغر حکمت ، چاپ دوم ، تهران : کتابخانه ابن سینا ، ۱۳۳۹
- ۲- میرجعفری ، حسین ؛ تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی اقتصادی فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان ؛ چاپ دوم ، تهران : سمت و اصفهان : دانشگاه اصفهان ، ۱۳۷۹
- ۳- نوایی ، میرنظام الدین علیشیر ؛ مجالس النفائس در تذکره شعرا قرن نهم هجری ؛ به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت ، تهران : چاپخانه بانک ملی ایران ، ۱۳۲۳
- ۴- نفیسی ، سعید ؛ تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری ، تهران ، فروغی ، ۱۳۴۴
- ۵- یارشاطر ، احسان ؛ شعر فارسی در عهد شاهرخ ؛ چاپ دوم ، تهران : دانشگاه تهران ، ۱۳۸۳